

سطح بندی و باطن پذیری روایات تفسیری در بیان ائمه :

مهدی خوشدونی^۱ دکتر عبدالهادی فقهی زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴ - پذیرش ۱۳۹۳/۶/۱۰

چکیده

روایات تفسیری موجود در تفاسیر روایی و مجموعه‌های حدیثی همه در یک سطح نبوده، دارای وجوه و سویه‌های معنایی مختلفی می‌باشند. دانش پژوهان معاصر علوم تفسیری با سطح بندی این روایات برای رفع تعارض ظاهری آنها اقدام کرده و برای احادیث صادره از معصوم^۷ سطحی از تبیین و توضیح آیه را قائل شده‌اند. معصومان : خود نیز به سطوح گوناگون روایات خویش اشاره و تصریح نموده‌اند چنان که برای قرآن بطونی است، گاهی روایات تفسیری بطن پذیر و دارای سطوح مختلف معنایی هستند که به اقتضاء سطوحی از بطون قرآن، به تناسب درک مخاطب، نوع سؤال و ... بیان شده است. روایاتی متعدد از ائمه : بر اهمیت شناخت سویه‌های باطنی سخنان اهل بیت : و ارزش فهم عمیق و درایت مراد روایات تأکید دارند. پژوهش حاضر نشان داده معصومان : خود روایات تفسیری را در یک دسته بندی کلی به روایات تفسیر ظاهر و تفسیر باطن یا همان تأویلی تقسیم نموده‌اند و با این نگاه می‌توان تعارضی را که از این ناحیه در روایات تفسیری هست، حل کرد.
کلید واژه‌ها: روایات تفسیری، راهنمای معصومان :، ظاهر و باطن، تأویل.

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (پردیس قم) نویسنده مسئول email: hajmahdi133@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه تهران

۱. پیشینه طرح

درباره روایات تفسیری و گونه شناسی و سطح بندی آنها به ویژه در دهه های اخیر کارهایی شکل گرفته است که می توان شروع موفق آن را در *تفسیرالمیزان* علامه طباطبایی در بخش روایی تفسیردید. وی نخستین بار روایات تفسیری، تأویلی و باطنی، جری و تطبیق را از هم تفکیک نمود. مورد دیگر مقاله پژوهشی «*روایات تفسیری شیعه، گونه شناسی و حجیت*»، نوشته دکتر مهدی مهریزی در مجله علوم حدیث شماره ۵۵ است که مؤلف در آن، روایات اهل بیت را به گونه های مختلفی تقسیم نموده است. از دیگر کارهای صورت گرفته در این باره مقاله «*گونه شناسی روایات تفسیری*» از دکتر مهدی رستم نژاد مجله حسنا شماره ۱ است. در دو مقاله یادشده به طور جزئی به تقسیم بندی و گونه شناسی روایات اهل بیت پرداخته شده است. در مقاله ای نیز با عنوان «آسیب شناسی فهم روایات (تعارض؛ علل و عوامل آن)» از دکتر سید علی دلبری به عوامل تعارض اخبار معصومان اشاره و دلایل آن ذکر شده است.

۲. بیان مسئله و هدف

بی شک هدف پژوهش حاضر گونه شناسی جزئی روایات تفسیری نیست و نیز به علل تعارض موجود در کلیت احادیث نظری ندارد، بلکه هدفش نشان دادن این حقیقت است که تقسیم بندی و سطح بندی روایات به ظاهر و باطن و وجود تأویل در روایات تفسیری ریشه در بیان معصوم^۷ دارد و آنان ما را از گوناگونی روایات در تفسیر قرآن کریم - متناسب با سطح ظاهر و باطن قرآن کریم و فهم مخاطب - مطلع کرده و مخاطبان را به دقت و درایت در جهت فهم این حقیقت رهنمون ساخته اند. همچنین در ادامه به تعارضاتی در روایات تفسیری که بدین سبب ایجاد شده است، پرداخته و تأکید کرده ایم

تأویل در حیطه غیر ظاهری (باطن) قرآن کریم بیشترین کاربرد را دارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ما فی القرآن آیه الا ولها ظهرو بطن»؛^۱ در قرآن آیه‌ای نیست مگر آنکه ظهور و بطن دارد.

بنابراین همان‌گونه که برای قرآن ظهور و بطن است روایات تفسیری قرآن نیز گاهی ناظر بر تفسیر ظاهر قرآن و گاهی باطن آن است. امام باقر ^۷ می‌فرماید: «ما یستطیع أحد ان یدعی أنه جمیع القرآن کُلّه ، ظاهره و باطنه غیر الاوصیاء»^۲؛ این روایت صراحت دارد که درک ظاهر و باطن قرآن به طور مطلق در اختیار معصوم ^۷ است و بی شک بیان و توضیح آنها درباره ظهور و باطن قرآن، تفسیر ظاهر و باطن آیات خواهد بود.

در جایی دیگر امام باقر ^۷ در پاسخ به سؤالی درباره ظاهر و باطن قرآن فرمود: «ظَهْرُه تَنْزِیلُه و بَطْنُه تَأْوِیلُه ، مِنْهُ مَا مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ یَكُنْ بَعْدُ ، یَجْرِي کَمَا یَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ کَلَّمَا جَاءَ مِنْهُ شَیْءٌ وَقَعَ ، قَالَ اللهُ تَعَالَى: (وَ مَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اللهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ) نَحْنُ نَعْلَمُهُ»^۳؛ ظاهر قرآن همان تنزیل (تفسیر) آن است و باطن قرآن همان تأویل آن بعضی از آنها رخ داده، و بعضی بعداً رخ می‌دهد. قرآن با گردش و جریان خورشید و ماه جریان دارد، در هر چرخشی که آنها می‌زنند، و حوادثی که می‌آورند، و خداوند می‌فرماید: «تأویل آیات قرآن کریم را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند» و ما از آن تأویل آگاهیم. به بیانی دیگر، معصوم ^۷ می‌فرماید: آنچه ما از ظاهر قرآن برای شما می‌گوییم مربوط به تنزیل و آنچه از باطن قرآن برایتان می‌گوییم تأویل آن است.

دسته‌ای دیگر از روایات معصومان: ضمن بیان و یا اشاره به ظهور و بطن قرآن، به گوناگونی و تفاوت روایات تفسیری حتی در توضیح یک آیه به صراحت اشاره دارند:

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. بنگرید به: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۵۰؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱،

ص ۱۱.

۲. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۲۱۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۹؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر

القرآن، ج ۱، ص ۴۶.

جابر می‌گوید از امام باقر ^۷ درباره تفسیر آیه‌ای از قرآن پرسیدم، سؤال من را پاسخ فرمود. سپس برای بار دوم از همان چیز سؤال کردم و این بار ایشان به گونه‌ای دیگر پاسخ فرمود. من گفتم: فدایت شوم! شما قبلاً در این مسئله به من جواب دیگری غیر از جواب امروز داده بودید. ایشان به من فرمود: «ای جابر! همانا برای قرآن باطنی است و برای باطن آن نیز باطن و ظاهری است و برای ظاهر آن نیز ظاهری است...»^۱

در روایتی دیگر آمده: «عبدالله بن سنان از ذریح محاربی نقل کرده است که گوید: به امام صادق ^۷ گفتم: خداوند در کتاب خود به من فرمانی داده است که دوست دارم تفسیر آن را بدانم. فرمود: آن چیست؟ گفتم آیه: (ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ)^۲ [حج / ۲۹]. فرمود: کوتاه کردن موی شارب و چیدن ناخن‌ها و مانند آن. گفتم: فدایت شوم! ذریح محاربی از شما برای من نقل کرده است که شما به او فرمودید: لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ دیدار با امام ^۷ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ انجام دادن آن مناسب است؟

حضرت فرمود: ذریح راست گفته است و تونیز راست می‌گویی. همانا برای قرآن ظاهری و باطنی است و چه کسی تحمل می‌کند آنچه را که ذریح تحمل می‌کند.^۳

با توجه به روایات یادشده، امام ^۷ به این مسئله تصریح دارد که بعضی از احادیث که از ما در زمینه تفسیر قرآن صادر می‌شود درباره ظاهر قرآن و بعضی درباره باطن قرآن است که اینها باهم متفاوت هستند. همچنین از این روایات استفاده می‌شود که حتی روایات باطنی نیز مختلف و متفاوت می‌باشند. مرحوم غفاری در توضیح حدیث اخیر می‌گوید: این حدیث از روایاتی است که مختص به زمان حیات [و حضور] معصوم ^۷ است و وجه مشترک بین تفسیر و تأویل در این روایت طهارت و پاکیزگی است، اما یکی

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۴۶.

۲. سپس باید آلودگی هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند ...

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۴، ص ۵۴۹؛ مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۸۹، ص ۸۳.

است. مصادیق یاد شده در هریک از این روایات انحصاری نبوده و معصوم⁷ در آنها مصادیق متنوع باطنی و ظاهری آیه را روشن می‌نماید که هریک در جای خود نعیم هستند و هیچ‌گونه تعارضی با هم ندارند.

در واقع روایات دسته دوم معرفی کننده اهل بیت^۷ به عنوان مصداق اتم نعمت الهی می‌باشند و بدین سان به روشنی منظور و مفهوم کلام معصوم⁷ فهمیده می‌شود. آنچه در تبیین تعارض پیش آمده در روایات مختلف تفسیری یاد شد و شیوه‌ای که در شرح روایات متعارض آورده شد، در بیان معصومان^۷ آمده است و آن بزرگواران نیز، چنان که ذکر شد، به همین شیوه دیگران را در حل تعارض اخبار خود رهنمون ساخته‌اند و بدان به‌طور صریح و یا ضمنی اشاره کرده‌اند.

۶. نتیجه

یکی از راه‌هایی که می‌توان مشکل فهم معنایی روایات مختلف معصومان^۷ را در یک موضوع و یا یک آیه از قرآن کریم برطرف نمود، دسته‌بندی روایات به گونه‌های مختلف (بطور کلی روایات تفسیر ظاهری و تفسیر باطنی «تأویلی») است؛ راهکاری که اهل بیت^۷ خود، ما را بدان رهنمون ساخته‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۳. ابراهیمی، ابراهیم، کیفیت تحلیل و نقد حدیث، جهاد دانشگاهی، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (الشیخ الصدوق)، عیون اخبار الرضا⁷، تحقیق سید مهدی حسینی لاجوردی، منشورات جهان، تهران.
۵. _____، معانی الأخبار، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسين بقم المشرفة، ۱۳۷۹ ش.
۶. _____، عیون اخبار الرضا⁷، ترجمه علی اکبر غفاری، مستفید، نشر صدوق،

بی تا.

۷. _____، **من لایحضره الفقیه**، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۸. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات**، تصحیح، تعلیق و مقدمه از میرزا حسن کوچه باغی، منشورات الأعلمی، تهران، ۱۴۰۴/ق/۱۳۶۲ ش.
۹. اسعدی، محمد و همکاران، **آسیب شناسی جریان های تفسیری**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، **البرهان فی تفسیر القرآن**، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۱۱. برقی، احمد، **المحاسن**، دارالکتب الاسلامیه، قم، بی تا.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، مؤسسه آل البيت : لإحياء التراث، قم.
۱۳. ذهبی، محمد حسین، **التفسیر والمفسرون**، دارالقلم، بیروت، بی تا.
۱۴. رجیبی محمود و جمعی از نویسندگان، **روش شناسی تفسیر قرآن کریم**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۱۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم، **مناهل العرفان**، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۱۶. سیدرضی، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، لاهیجی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، **الإتقان فی علوم القرآن**، المكتبة الثقافية، بیروت، ۱۹۷۳ م.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، المكتبة العلمية الإسلامية، تهران.
۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، **تفسیر الصافی**، الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
۲۳. متقی هندی، **کنز العمال**، تحقیق، ضبط و تفسیر از شیخ بکری حیانی، تصحیح و فهارس از الشیخ صفوة السقا، مؤسسه الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹/ق/۱۹۸۹ م.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، تهران، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۶. مسعودی، عبدالهادی، **آسیب شناخت حدیث**، دانشکده علوم حدیث، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. _____، **روش فهم حدیث**، انتشارات سمت، دارالحدیث، تهران، چاپ چهارم،

- ۱۳۸۷ش.
۲۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۲۹. معرفت، محمد هادی، *علوم قرآنی*، انتشارات التمهید و سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۳۰. معارف، مجید، *شناخت حدیث*، نبأ، تهران ۱۳۸۷ش.
۳۱. نجارزادگان، فتح الله، *رهیافتی به مکاتب تفسیری*، دانشکده اصول الدین، قم، ۱۳۸۷ش.